



تکنیک‌های مختلف تلفیق تصویر رئال با گرافیک و موشن‌های دیدنی، قاب «مکت» را که در نگاه نخست، کاملاً متن‌محور و متمرکز بر گفتار مجری است، داینامیک و پویا می‌کند و تحرک درونی برنامه، منطبق با فرازونشیب گفتار، تنوع اطلاعات و فصل‌ها و عناوین مطالب مورد نظر مجری در سطحی رضایت‌بخش حفظ می‌شود

فرهنگی

شیداسلامی

کارشناس رسانه



«مکت» میان واقعیت و حقیقت

وقتی یک یوتیوبر برگ برنده تلویزیون را رومی‌کند

درحالی‌که ظهور رسانه‌های اجتماعی (Social Media) خود از مهم‌ترین عوامل کم‌رنگ‌شدن تلویزیون و رسانه‌های سنتی مشابهش به شمار می‌رود، استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌های اجتماعی و تبدیل تهدید آنها به فرصت برای دیده‌شدن تلویزیون، از آن دست ظرایف هنری مخاطب‌شناسانه است که نمونه‌های اجرایی موفقش در تلویزیون، از یکی دو سال پیش شروع شده و حالا با اسام برنامه‌هایی چون «دی بی‌سی» و «مکت» تداومی می‌شود.

دربراره «مکت» البته، بکرماندن و تطابق حداکثری با سروشکل رسانه‌های اجتماعی محتوای اصلی و مادرش که در یوتیوب متولد شده، بیشتر است و همین شاید یکی از مهم‌ترین عوامل جذب مخاطب به برنامه‌ای باشد که یونس محمدی برای مرکزداری

میان «واقعیت» و «حقیقت» تولید می‌کند. به‌سمت تولید محتوای تصویری در یوتیوب کشانده است. محمدی در تجربه یوتیوبی‌اش ظهوری موفق داشت. نگاهی به آیتم‌های یوتیوبی او روشن می‌کند انتخاب و طراحی فضای

در زمان نگارش فیلمنامه تازه‌ای بنویسد، من در جریان قرار می‌گیرم و در زمان نگارش فیلمنامه این شانس را دارم که با او همراهی کنم. در حقیقت ایشان به من لطف دارد و نظراتم را جویا می‌شود. ما چیزهایی را که فکر می‌کنیم به پیشرفت و بهتر شدن فیلمنامه کمک می‌کند، باهم به اشتراک می‌گذاریم و درباره آن صحبت می‌کنیم. این اتفاق نتیجه بهتری خواهد داشت تا زمانی که من در هنگام تولید یک فیلم به پروژه اضافه شوم.

از جمله اتفاقاتی که به نظرمی‌رسد فیلمبرداری با مشکلاتی مواجه کرده‌است، صحنه‌های سیرک‌والی است. تجربه‌های مشابه در این زمینه برای فیلمبرداری به‌شما کمک کرد یا برای اولین بار تجربه آن را پشت‌سر گذاشتید؟ برای باورپذیری مخاطب و خلق تصاویر نوآور

عین حال جذاب چه کارهایی انجام دادید؟ خود شما به عنوان مخاطب «بعد از رفتن» را چگونه انری می‌بینید؟ به‌این‌ترد کارنامه کاری خودتان چه نمره‌ای می‌دهید؟ فیلم «بعد از رفتن» روایت‌بصری و داستانی است و از این نظر من متقدم «بعد از رفتن» می‌تواند صاحب تماشاچی‌های باکیفیتی باشد که قاعدتاً دنبال سبب‌های اخلاقانه‌ای هستند که به آن تازگی ببخشند و تازگی بدهند. چنین فیلم‌هایی باعث می‌شود مخاطب از سالن سینما راضی بیرون بیاید.

این‌تر مربوط به تصاویر ۳۶۰ درجه‌ای است که مادر «بعد از رفتن» شاهد آن هستیم؟ برای رفتن این تصاویر چه مواردی لازم بود و باید رعایت می‌شد؟ یا کدام یک از عوامل باید هماهنگی بیشتری صورت می‌گرفت و چرا؟ در فیلم «بعد از رفتن» پلان‌های ۳۶۰ و یا پلان‌هایی که طراحی ویژه دارند، کم نیست. پلان ۳۶۰، بسیار سخت بود و یکی از دلایل فیلمبرداری آن در اتاق و هنگامی که شب، روز می‌شود، همین بود. این کار بدون وی‌اف‌ایکس اجرا شده و گروه زحمت زیادی برای آن کشیده است. در حقیقت عده زیادی درگیر نور، چراغ و اجرا بودند. ناگفته نماند که فارغ از مدل

استودیوماندی که او در آن سخن می‌گوید و توجه به گرافیک و قاب تصویر، قدرت بیان و انتخاب تاپیک‌های جذاب و روز، اطلاعات پس‌زمینه رویدادها و تصاویر آرشویی که به کمک مونولوگ‌گویی بی‌نقص محمدی می‌آید، همه و همه یک بسته تصویری جذاب فراهم می‌آورد که با میانجی‌های ویدیویی حضور خود او در مکان‌های مختلف با تصویربرداری قابل قبول و گاه بسیار حرفه‌ای رنگ‌ولعابی مناسب به خود می‌گیرد.

«مکت» ولی نسخه پیشرفته‌تر و هنری‌تری از آن آیتم‌های یوتیوبی است که البته یوتیوبی مثل یونس محمدی در آن قدوقواره هم بخوبی ارائه‌اش می‌کرد. طبیعی است که دعوت تلویزیون از او برای آوردن برنامه‌اش به قاب سیمیا، بر مبنای توانمندی‌های او در حوزه محتوا و اجرا بوده تا قابلیت‌های یوتیوبی که در قالب رسانه اجتماعی با طرح مباحث عامه‌پسند و... دنبال‌کننده انبوه آنچنانی داشته باشد و با عناوینی چون اینفلوئنسر و بلاگر و سلبریتی شناخته شود. درواقع، «مکت» محمدی با این تدبیر در جایگاه درست خودش قرار گرفت و هر دو سوی این تعامل برنده شدند.

ماهیت محتواهای منتشرشونده در رسانه‌های اجتماعی به‌گونه‌ای است که اصولاً توجه بسیاری را در طلایع و وپترین خودشان می‌طلبتند. جلب‌نظر افراد به یک ویدیو در فضای شبکه‌های اجتماعی کاربرمحور بسیار دشوار است. اگر شما در همان چند ثانیه اول موفق به جذب مخاطب نشوید، درعمل، یک بیننده فعال را از دست داده‌اید و تسری این وضعیت درباره عموم مخاطبان نیز بسیار محتمل است. ازاین‌رو، «مکت» بسیار دقیق و هنرمندانه وارد حوزه تلویزیون شد. ابتدا با پخش تیزرهای جذاب، مخاطب را درباره برنامه‌ای که سروشکل رسانه‌های اجتماعی داشت، کنجکاو کرد و در همان تیزرها نوید بخش محتوایی متفاوت با موسیقی و ریتمی جذاب داد.

با آغاز پخش، ساختار برنامه نیز در همین ریل حرکت کرد و تا اینجا تلاش کرده از حیث موضوع و ساختار و تولید، هم به هویت سوشال مدیایی خودش وفادار بماند، هم دست‌پری از گرافیک و جاذبه‌های بصری برای مخاطبش رو کند. تکنیک‌های مختلف تلفیق تصویر رئال با گرافیک و موشن‌های دیدنی، قاب «مکت» را که در نگاه نخست، کاملاً متن‌محور و متمرکز بر گفتار مجری است، داینامیک و پویا می‌کند و تحرک درونی برنامه، منطبق و با فرازونشیب گفتار، تنوع اطلاعات و فصل‌ها و عناوین مطالب موردنظر مجری در سطحی رضایت‌بخش حفظ می‌شود. موسیقی خاص، بدیع، متناسب و ریتیمیک برنامه نیز که با درونمایه اکتشافی و

تهییج‌گر برنامه برای دستیابی و اطلاع از جوانب مختلف رویدادها هماهنگ است، تنوع و ضربه‌انگ تصویر را بالا می‌برد و بی‌آنکه حس عنصری تزئینی یا مخمل را منتقل کند، به‌نحوی در ساختار برنامه هضم و مزوج شده که حالا هر مخاطبی را به این نتیجه‌گیری می‌رساند که «مکت» بدون موسیقی زیرمتن و تیتراژ و فواصلش، برنامه‌ای ناقص به نظر می‌رسد.

یکی دیگر از وجوه قوت این برنامه به انتخاب تصاویری جالب از آرشیو بازمی‌گردد. بسیاری از این تصاویر که دیده نشده یا کمتر دیده شده‌اند، جنبه خاطره‌انگیزی دارند و مخاطب را به صفحات تاریخ و دهه‌های گذشته می‌برند. همچنین ارجاع دهی‌های دقیق به منابع، در هنگام پخش گفتار روی آن‌ها، اعم از کتب، نشریات و دیگر منابع، بر مستند و مرتبط بودن هرچه بیشتر و پیوند قوی‌تر تصویر با اطلاعات می‌افزاید و از آنجا که اغلب این ارجاع‌دهی‌ها به‌شکل گرافیک ثابت یا موشن اجرا می‌شوند و در کنار تصویرسازی‌های آی‌کونیک طنز و شیرین، با نمودارها و جدول‌ها و ابزارهای آماری آگاهی‌رسان ترکیب می‌شوند، مخاطب را از زاویه‌ای سرگرم‌کننده و با حظ بصری از تصاویری پویا و زیبا، به هدف تبیینی برنامه نزدیک‌تر می‌کنند.

در نگاه نخست، «مکت» برنامه‌ای جدی و با نظرگاهی دقیق و روشن درباره مسائل گوناگون است و شعارش را افزایش پشت‌پرده سیاسی رویدادهای به‌ظاهر فرهنگی و تلاش غرب برای مداخله در الگوسازی برای سبک زندگی مردم جهان و بویژه کشورمان قرار داده است. این برنامه تلاش می‌کند از فرامتن‌ها و بینامتنی‌های تصویر مجعول و معیوبی پرده بردارد که بازیگران اصطلاحاً عرصه فرهنگ و هنر و رسانه با نیات کاملاً سیاسی دنبال می‌کنند و در پی آن است که روند‌های جهان‌گشایانه آنان بدون کمترین لشکرکشی نظامی را افشا کند؛ اما چند مزیت عمده در مقایسه با برنامه‌های مشابهش دارد و خاستگاه و ساختار رسانه اجتماعی، موسیقی و گرافیک جذاب و قدرت تحلیل و بیان مجری آن، باعث جذابیت مضاعفش شده، تا آنجا که این ابتکار و اغتنام از فرصت تلویزیون را در دوره جدید سیمیا برجسته می‌کند و به عنوان یکی از سنخ‌های ارزایی و تحول رسانه ملی نمود می‌دهد؛ بویژه که این برنامه در زمان کوتاه مطابق با ساختار رسانه اجتماعی‌اش تولید می‌شود و قابلیت تکرار در فواصل گوناگون را داراست و ازاین‌حیت، هم ترکیب بصری جدول پخش را رنگ و جاذبه می‌بخشد، هم اطلاعات و ویوگردهایش در حافظه مخاطب تثبیت و ماندگار می‌شود.

اخبار

امضای تفاهنامه همکاری وزارت فرهنگ و جهاد دانشگاهی در حوزه هوشمندسازی



محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از انعقاد قریب‌الوقوع تفاهنامه‌های بین وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جهاد دانشگاهی برای پیشبرد فعالیت‌های فرهنگی خبر داد.

وی در این باره گفت: «جهاد دانشگاهی دارای پژوهشکده‌های موفق در حوزه فرهنگ و هنر و همچنین مراکز تحقیقاتی پیمایشی و افکارسنجی معتبری بوده است که امیدواریم انعقاد این تفاهنامه بتواند زمینه بیشتر همکاری‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و جهاد دانشگاهی را در فعالیت‌های فرهنگی موجب شود.

تلاش ما در وزارتخانه نیز این است که بتوانیم از همه ظرفیت‌های جهاد دانشگاهی برای پیشبرد حوزه فرهنگ و هنر بویژه در هوشمندسازی و فناوری‌های نوین استفاده کنیم.» /

سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

درگذشت مجری پیشکسوت



مهدی ظهوری، مجری پیشکسوت تلویزیون که به دلیل مشکل کبدی در بخش مراقبت‌های ویژه یکی از بیمارستان‌های تهران بستری بود، صبح روز جمعه (۱۷ شهریورماه) درگذشت. مهدی ظهوری که متولد سال ۱۳۳۳ بود سابقه اجرای برنامه‌های «جنگ شب» و «تهران تهران» را داشت. او همچنین مجری آیین افتتاحیه شبکه پنج بود و نیز انجام مصاحبه‌های مردمی و گفت‌وگو با هنرمندان را برعهده داشت. این مجری قدیمی از مدت‌ها پیش به دلیل عارضه کبدی در بیمارستان بستری بود. / **ایرنا**

نگاهی به نسخه جدید سری فیلم‌های «جیج» که با فروش خوبی روبه‌رو شده است

ظهور یک قاتل شبخ‌وار تازه



طول مدت این فیلم قدری زیاد است اما یک کار واقعاً تکان‌دهنده در ژانر وحشت است و چيستان‌های جالبی را مطرح می‌کند. قدرت جذب آن بیش از نسخه‌های قبلی است

وصال روحانی

روزنامه نگار

«جیج» ۶ یک فیلم ترسناک تازه، اما دنباله‌ای بر این فرانچیز دریا و کامل‌کننده پنج قسمت قبلی سری فیلم‌های «جیج» (Scream) به شمار می‌آید که تهیه و پخش‌شان از سال ۱۹۹۶ آغاز شد و اکثر آنها فروش‌های باثباتی داشته‌اند. این نسخه جدید که از اوایل سال جاری در سطح دنیا به نمایش درآمده، با وجود اندک بودن بودجه ساخت‌اش (۲۵ میلیون دلار) از مرز ۲۲۰ میلیون دلار فروش هم عبور کرده و نشان داده که با غروب اقتصادی بیگانه است؛ بویژه که با روانه شدن نسخه‌های ویدیویی این فیلم به بازار، بی‌شک دستاوردهای اقتصادی آن فروزنی خواهد گرفت.

جای خالی یک غایب بزرگ

فیلم پنجم از این سری آثار که در سال ۲۰۲۲ اکران شد، به‌جای اینکه یک اثر دنباله‌ای باشد، یک نوع جمع‌بندی و ارائه مجدد همه اتفاقات فیلم‌های قبلی در یک کپیج کلی بود. ولی فیلم فعلی کوشیده است اتفاقات بعدی و تازه‌ای را شرح بدهد که برای کاراکترهای اصلی و آشنای این سری فیلم‌ها روی می‌دهد. در این فیلم بسیاری از پیشینه‌های پنج‌قسمت قبلی حاضرند و نقش‌های خود را تکرار می‌کنند و «ملیسا باررا»، «جنا اورتگا»، «میس کودینک» و «کورتی کاکس» از آن قبیل‌اند. اما «جیج» تازه یک غایب بزرگ هم دارد، «نیو کمپبل» معروف که ایفاگر اصلی‌ترین نقش در این سری آثار بود، هنرمندی که این مرتبه پیشنهاد سازندگان این سری فیلم‌ها را نپذیرفته است. در نقطه مقابل «مت بنتلی اولیون» و «تایلر جیل» که نسخه پنجم را کارگردانی کرده بودند، در این پروژه تازه هم حضور یافته‌اند و مشارکت آنها سبب شد که اکثر هزینه‌های آثار قبلی هم از آنها پسروی کنند. هم‌با این هنرمندان رجعت‌کننده، شماری از بازیگرانی که پیش‌تر در پروژه «جیج» (Scream) نبوده‌اند، به این جمع پیوسته‌اند و از این قبیل شرکای تازه می‌توان به «جاش سگالار»، «سامارا ویوینگ» و «درموت مولرینی» پرسابقه اشاره کرد. نسخه تازه «جیج» هر حاضر و غایبی که داشته

باشد، یک قاتل شیخ‌وار جدید را رو می‌کند که قبلی در عملیات موسوم به «وودز بیز» در شهر نیویورک جان سالم به‌در برده بودند. یک سال بعد از آن عملیات تلخ که جنایت‌کارانی با نام‌های «بیچی کرش» و «امبر فرین» طرح و مجری آن بودند، یک استاد دانشگاه «بلک مور نیویورک» توسط یکی از شاگردانش که «جینس کاروی» نام دارد، شکار می‌شود و فرد قاتل مثل کاراکترهای جنایتکار نسخه‌های قبلی (Scream) همان قطعه پارچه سفید شیخ‌وار را بر چهره دارد. کاروی در قدم بعدی خود می‌کوشد با همراهی هم‌اتاقی خود «گرگ»، دو خواهریبا نام‌های «سم کارپنتر» و «تارا کارپنتر» را که کرش و فرین هم در پی آنها بودند، به قتل برساند و به خیال خود فیلمی را کامل سازد که کرش و فرین می‌خواستند حول و حوش جنایات خود بسازند. با این حال قضیه وقتی پیچیده می‌شود که یک قاتل شیخ‌وار دیگر سر برمی‌آورد و...

اینکه پایان این سری کشتارها کجاست، با توجه به باقی‌ماندن ابهام و باز بودن فیلمنامه در پایان قسمت ششم غیرقابل‌تخصیص به نظر می‌رسد. اما این نکته واضح است که «جیج» به‌نهایتا گیشه‌ای داغ داشته، بلکه نقدهای رسانه‌ای هم پیرامون آن اغلب مثبت بوده است. «جیج ۶»، اولین نسخه جیج بعد از «جیج ۲» (در سال ۱۹۹۷) است که در آمریکا و کانادا از ۱۲۰ میلیون دلار فروش بالاتر رفته و با پیشی گرفتن از آن نسخه، بیشترین درآمد را در این دو کشور داشته است.

«وون گلبیرن» منتقد سابقه‌ای که برای نشریه ورایتی نقدهای سینمایی می‌نویسد، در توصیف «جیج ۶» گفته: «طول مدت این فیلم قدری زیاد است اما یک کار واقعاً تکان‌دهنده در ژانر وحشت است و چيستان‌های جالبی را مطرح می‌کند و قدرت جذب آن بیش از نسخه‌های قبلی است.» بنجامین لی از روزنامه گاردین انگلیس هم نوشته است: «در قیاس با نسخه‌های از جیج که سال پیش عرضه شد، این نسخه هوشمندانه‌تر است و سیاهی اندیشه‌ها در تار و پود آن تنیده شده و به تبع آن هراس بیشتری را می‌آفریند.»

«درموت لافری» از روزنامه ایندپندنت هم این‌گونه اظهارنظر کرده است: «فیلم سرشار از



مشخصات فیلم

«جیج ۶» کارگردان: مت بنتلی اولیون و تایلر جیلت فیلمنامه‌نویسان: جیمز واندربیلت و گای بوسیک بازیگران: ملیسا باررا، یاسمین ساووی براون، میسن گودینگ، درموت مولرینی، جک جمپوین، کورتی کاکس و هنری ژوئی موسیقی متن: برلین تیلور اسون فالکونر هزینه تولید: ۲۵ میلیون دلار میزان فروش: ۲۳۰ میلیون دلار

خون‌ریزی و شبیه به کارهای گوتنیک و کلاسیک ژانر وحشت است اما وجه سرگرم‌کنندگی‌اش را از هرگز از دست نمی‌دهد. «نشریه پرتیزاز» امپایر هم از قول نویسنده خود «اولی ریچاردز» آورده است: «فیلم جدید جیج قطعاً بی‌عیب نبوده اما هنوز از بسیاری از هم‌نمایش‌ها بهتر و خلاقانه‌تر است و این به خودی خود یک موفقیت مهم برای خالقان این فرانچیز به شمار می‌آید.» نگاه‌های مثبت فوق و مجموعه عناصری که وصف آن آمد، سبب شده بنتلی اولیون و جیلت، کارگردانان مشترک فیلم متذکر شوند طرح ساخت قسمت هفتم را هم در ذهن دارند و افزوده‌اند که حتی اگر کمپانی‌های سازنده این سری آثار قصد استفاده مجدد از آنها را نداشته باشند، به این استودیوها توصیه خواهند کرد که به دنباله‌سازی‌های تازه‌های روی بیاورند و به این فرانچیز پایان ندهند.



سپیده شریعت رضوی

روزنامه‌نگار

آرمان فیاض، لیسانس کارگردانی از دانشگاه سورد اصفهان و فوق لیسانس ادبیات نمایشی از دانشگاه هنر و معماری تهران دارد، اما بیشتر به عنوان مدیر فیلمبرداری شناخته می‌شود. او که نزدیک به ۲۰ سال است در حوزه فیلمبرداری فعالیت دارد، با فیلم کوتاه «اراق» ساخته رضا نجاتی، بهترین فیلمبردار سنی و هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران و با فیلم «برف آخر» اثر امیرحسین عسگری، سیمرغ بلورین بهترین فیلمبرداری فیلم بلند را از چهارمین جشنواره فیلم فجر کسب کرد. او همچنین با ۲ فیلم «بعد از رفتن» ساخته رضا نجاتی از چه‌زمان آشنا شدید و همکاری‌تان میرزامحمدی در جشنواره جهل و یکم فجر حضور داشت. اکران فیلم سینمایی «بعد از رفتن» به تهیه‌کنندگی محمود بابایی بهانه‌ای شد تا با او درباره این اثر صحبت کنیم.

پن دوستان دوستی قدیمی داریم و سال‌هاست یکدیگر را می‌شناسیم. تقریباً همه کارهای کوتاه ایشان را من فیلمبرداری کردم و قاعدتاً آشنایی خوبی با هم داریم. معمولاً زمانی که رضا قصد